

مهدی پاکتهداد

این نوشتار درسی آن است که ایده‌هایی را در ارتباط با فضای ادبیات ایران و کنش ادبی علاقه‌مندان به ادبیات در جهان مجازی طرح کند محور اصلی بحث حاضر این پرسش است که علت استقبال ایرانیان و از جمله جامعه ادبی ایران از فضای مجازی، خاصه وبلاگ‌ها چیست؟

بسیاری بر این باورند که روی آوری به اینترنت در ایران به علت وهایی از مصلحت‌سنجی بوده است این سخن شاید تا حدی درست باشد در اینجا باید شکلی از مکتور، مخصوصاً در مورد جامعه ادبی، ایرانیان در اینترنت را در نظر داشت و آن وهایی از مکتور به معنای معرفت‌شناسی (Epistemology) آن است. علاقه ایرانیان به اینترنت و سایر پلتفرم‌های دیجیتال، وهایی استوار است. این وهایی، وهایی از مکتور مکتوب است و تفصیلاتی که طبعاً به دنبال جلد الکترونیک تا پیش از این نیز آثارهای ناترجم شده مطالعه در ایران به وضوح میل به وهایی از فرهنگ مکتوب و مبادلات آن را نشان می‌دهد (۱). با این وجود تنها چیزی چون اینترنت می‌توانست به شکلی بنیادی، وهایی فردی را از حاصل بسته و سنگین کتابت و درجین حال میل او به افزایش فرهنگی و معرفتی را توانمند سازد و نیز وهایی از مکتور به طبعاً دارای تمامی خصوصیات یک رسانه همگنی، یعنی آیزاری جهت انتقال اطلاعات یا پیام از یک فرستنده به یک گیرنده (و البته با این ویژگی منحصر به فرد که برعکس آن نیز ممکن است یعنی از گیرنده به فرستنده Comment) بنابراین این ابزار نیز همچون دیگر ابزارهای رسانه‌ای بر پایه مفهوم

«کنز» یا «سایت» استوار است تا مفهوم «حضور» یا «حیات» تلمسی ساخته شود و بلاگ‌ها هم‌چون «Uptodate» می‌شوند و به صورتی مستمر محتوای خود را تغییر داده و تازه‌ترین اطلاعات را ارائه می‌دهند مخاطبین خود را به شکل مختلف افزایش داده و آنها را در جریان یک گفتار اطلاعاتی، گویج و متکلم می‌کنند تا از طریق این دگرگونی و انتقال مستمر اطلاعات در رقابت با این جلب مخاطب حذف شوند.

اینترنت در قالب کالایی فرهنگی که امکان یک مبادله مستمر را برای بخش گسترده‌ای از جامعه فراهم می‌آورد هم‌چون «مصرف» می‌شود و صرفاً به همین دلیل تبدیل به یک رسانه تولیدی شده است. همگان امکان بهره‌مندی از این دریای میانه را دارند. اینترنت تولیدکننده هم‌چون برای همه کس است. کلی است نوع و جنس مصرف مشخص شود تا موتورهای جستجو جو سریع‌ترین امکان دستیابی و رضای میل را در طول تاریخ بشر به ثبت برسانند. به همان سرعت که می‌شود علی‌ترین اثر ادبی کلاسیک را تنها با اشاره یک کلیک به دست آورد می‌توان به خصوصی‌ترین عکس‌ها و اطلاعات زندگی فلان سوزن‌ساز سینما یا موسیقی نیز دسترسی پیدا کرد (۲). بنابراین اینترنت از جایگاه صرف یک رسانه نیز خارج شده و تبدیل به عرضه‌کننده مخفی‌ترین خواسته‌های ناخودآگاه میل می‌شود.

ادبیات نیز به عنوان یکی از مصرف فرهنگی تولید چابک‌گامی در اینترنت می‌تواند در این میان باید تمایزی قائل شده بین آنچه کنش ادبی می‌خوانند و آنچه می‌توان مجموعه‌های ادبی تعریف کرد. کنش ادبی را هر گونه تولید یا خویش‌منتن تعریف می‌کنم که در فرآیندی مستمر و خلاقانه منجر به شکل‌گیری سوزنه ادبی می‌شود. در مقابل فضای ادبی، مجموع حیات ادبی در یک اجتماع است که پیش از آنکه تولید یا خویش‌منتن فرهنگی و خلاقانه

متن را محور قرار دهد، مجموع مبادلات و روابط نمادین آن‌ها را در بر می‌گیرد. این هر دو، برای سازمان یافتن و رشد و پایداری فرهنگ ادبی، یک جامعه ضروری است. بدین معنا که فرهنگ ادبی، هم نیازمند نویسندگان و منتقدان خلاق، حرفه‌ای و صاحب‌مسئله است و هم نیازمند یک گستره همگنی که در آن انحصار (علاقه‌مندان و مخاطبان ادبیات، شیتنگان فضای روشنفکری و مناسبات ادبی، مجلات و نشریات تخصصی یا عمومی ادبی، انواع نشست‌ها سمینارها و همایش‌های ادبی) بتوانند به تبادل اطلاعات بپردازند. با این وجود توجه و عنایت بیشتر فرهنگ ادبی، یک جامعه به هر یک از این دو حوزه تبلیغ و آثار متعلقه را در بر می‌گیرد خواهد داشت.

نسبت میان این دو حوزه به نسبت میان مرکز و حاشیه است. کنش خلاقانه ادبی، شاعرگ حیات ادبی، یک فرهنگ است. طبیعتاً است که کنش سوزنه ادبی در بستری همچون فضای ادبی، جامعه محقق می‌شود. با این حال، فضای ادبی، جامعه بدون شاعرگ خلاقیت اساساً بی‌معنا و بی‌پایه است. تاریخ ادبیات، تاریخ آثار ادبی است نه تاریخ جماعت علاقه‌مند به ادبیات. اعتدالی فرهنگ ادبی، یک جامعه را بر پایه میزان خلق آثار مسترگ ادبی آن جامعه می‌سنجند نه بر مبنای نوع مناسبات حاکم بر فضا. ادبیان آن‌ها، همین‌رو در تحلیل نهایی، شرط ضروری سازمان یافتن فرهنگ ادبی، یک جامعه، کنش خلاقانه سوزنه ادبی، خواهد بود نه فضایی که ابزارهای ادبیات در آن نقش می‌کشند.

توجه به این نکته مهم است چراکه فضای مجازی ادبیات اینترنتی در واقع بخشی از کلیت فضای ادبی به حساب می‌آید. اینترنت به عنوان یک رسانه نهایتاً گستره‌ای عمومی را بر می‌سازد که در آن حضور جمعی افراد و تبادل مستمر فال‌ها منظور نظر است. اما ساخت ادبی، آن بیشتر بر همین گردش نمادین تمرکز دارد. گردش اطلاعات نیز در فضای مجازی به گسترش هر چه بیشتر مناسبات ادبی منجر خواهد شد. به نظر می‌رسد که ظهور کلی فضا نخواهد بود فرهنگ ادبی، یک جامعه را آن گونه که بایسته است تکامل بخشد. با این وجود ما در ایران هر روز شاهد روی آوردن هر چه بیشتر علاقه‌مندان ادبیات به این فضای مجازی هستیم. بنابراین پرسش همچنان به جای خود باقی است: علتقبال به اینترنت در میان قشر ادبی- فرهنگی ما چیست؟

شکل‌گیری فرهنگی که بر پایه کنش خلاقانه پدید آمده، تفصیلات خاص خود را دارد. این فرهنگ حاصل گفتار (Discourse) بلایی است که با فاصله گرفتن از مبادلات شفاهی و همچنین دستیابی به سطحی از تأمل نظری و زیبایی‌شناختی، زمینه خلق آثار خلاقانه و پیرایه ادبی را فراهم می‌سازد. این فرهنگ بر کنش فردی سوزنه متکی است و از این رویه شرایطی که در آن سوزنه امکان کنش خلاقانه را پدید می‌آورد، معطوف می‌شود. خلق یا خویش‌منتن و سوزنه ادبی، یک اثر ادبی در چه لول وابسته به فردیت (Individuality) هنرمند یا منتقد است. هنرمند برای خلق یک اثر هنری نیازمند تنهایی، تأمل و تفکر، پشتکار مداوم و مطالعه مستمر است و اینها همه ویژگی‌هایی است که از فرهنگ شفاهی یا همان خصائص جمعی فضای ادبی به دور است. هنرمند برای خلق نیازمند فاصله‌گیری و تفکیک حوزه‌های فردی‌اش از محیط و فضای دور و بر است. کتابت امری ساکن، در خود و در نماد گذر است. در عوض فرهنگ شفاهی فضای ادبی، درست در نقطه مقابل قرار داشته و متکی بر گونه‌ای سیاحت و جریان، پراکنده‌گی، حرکت، جانسپاری، تمرکزگریزی و وابسته به عبارت دیگر کنش خلاقانه، متمرکز بر مساحت نوشتار و فضای عمومی ادبی، متمرکز بر مساحت گفتار است.

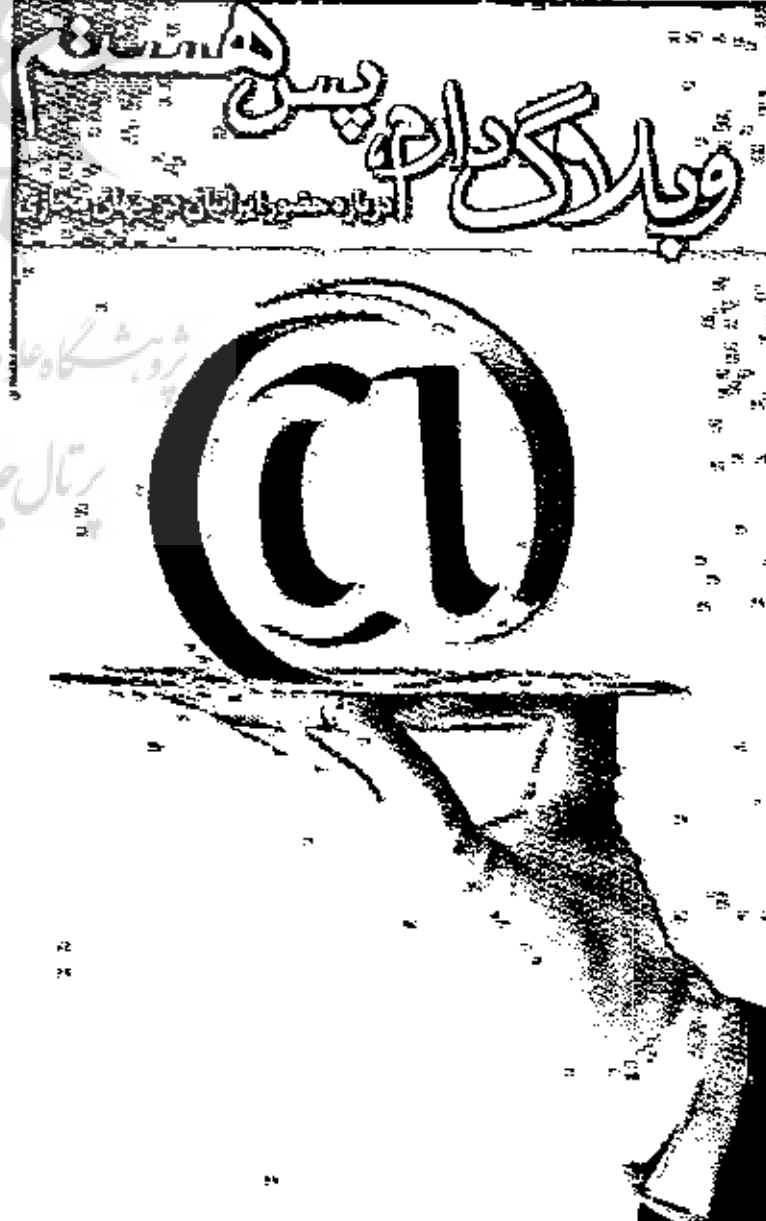
اینجاست که می‌توان به پرسش ابتدای این نوشتار پاسخ گفت. گسترش فضای مجازی ادبیات فارسی زبان، در درجه اول حکایت از فرهنگ گفتار محور ایرانیان دارد. ادبیات اینترنتی، ادبیاتی اساساً شفاهی و جمعی است که با ناپدید شدن خصلت فردی

کنش خلاقانه به شکل‌دهی یک جریان جمعی دست می‌زند. چرایی که در آن همه کسانی که به نحوی خود را عضو جامعه ادبی می‌دانند امکان سخن گفتن، نظر دادن، نقد کردن و انتقال اطلاعات را پدید می‌کنند این عمومی ساختن فضای ادبی، گرچه محسوسات خاص خود را دارد اما نهایتاً منجر به دوری هر چه بیشتر از اصالت نوشتار شده و حرکت به سوی سطحی‌نگری و انتقال ادبی را سرعت می‌بخشد. دیدن یک مساحت ادبی بر خلاف خواندن یک کتاب (به عنوان قالب کلاسیک کتابت) بر پایه یک گفتگو موقر قرار دارد و اساساً فرآیندی دوطرفه است که نیاز به تنهایی، تأمل، تکرار و از میان برمی‌خیزد. سرعت انتقال اطلاعات در فضای سایبر، امکان هر گونه درنگ تأمل، بازخوانی و بازنگری را به حداقل رسانده و بی‌چای آن حرکت شتاب‌مندی و روزافزندی را فراهم می‌دهد. در این فضا فرد به جای آنکه یک سوزنه انتخاب‌گر و شناسنده باشد، آرام آرام به یک ابزار گزینش شده تبدیل می‌شود. مانعیم که در فضای مجازی به ویب‌گردی می‌پردازیم؛ در اصل این فضای مجازی است که ما را در خود فرو برده و در دریای بی‌کران سطوح و لایه‌ها مستحیل و غرق می‌کند. در واقع ویب‌گردان‌های ادبی ابزارهایی در حال گذار از «تلفاز» به «تلفون» و «تلفون» به «خط» (On Line) صورت می‌گیرد. نسبت ویب‌گردی ادبی و متن اینترنتی نسبتی گسسته از گذشته است. بودن در اینترنت یا به تعبیر مجازی، On Line بودن بر مبنای تجربه به زمان به مجموعه‌ای از زمان‌های حال مطلوب است. از سوی دیگر انتشار آیه و برگرد در میان صفحات وب، انتشاری را مرکز گزینش و مسیال در میان حضور بی‌پایان دل‌های شلوار است. گفتار از این سبب به آن سایت‌ها و این صفحه‌ها به آن صفحه‌ها از این پیام به آن پیغام و نهایتاً شرکت در بازی‌های سرخوشانه و در زمینی که آشنایان همکار و هم‌عقیده‌ها بزرگوار آن محسوب می‌شوند.

نکته حائز اهمیت دیگر وجود ارتباطی ظرف میان ناخودآگاه جمعی، ایرانیان و نحوه بهره‌مندی آنان از جهان مجازی است. محور بحث (Conversation) یا به بیانی ساده‌تر، اما دقیق‌تر، ویرایی، یکی از بنیادها و ویژگی‌های اصلی تشخیص ایرانی است. منظور از معاوره یا ویرایی میل شدید به حرفی و افکار وجودی از طریق گفتار است. از هر دری سخن گفتن و در سخن گفتن نیز خود را از هر گونه استناد و استدلال علمی، تحقیقی و پژوهشی بی‌نیاز دانستن، در ناخودآگاه جمعی ایرانیان جایگاه منحصر به فردی دارد. بحث و گفتگو برای ایرانیان نه صرف یک سرگرمی یا مضمون‌نویسی جهت وقت‌گذرانی، بلکه یکی از مهم‌ترین و پایه‌ای‌ترین بخش‌های زندگی فردی و جمعی است. تبلور ایس و ویژگی در فضای مجازی را به خوبی می‌توان در علاقه ایرانیان به داشتن وبلاگ شخصی و سخن گفتن در آن از هر نری و به هر تریبی دید.

ساختار وبلاگ اساساً به گونه‌ای طراحی شده که فضای مناسبی را جهت حرف زدن فراهم می‌کند. صاحب وبلاگ بدون هیچ محدودیتی و مهم‌تر از همه بدون هیچ سانسوری قادر است در عرصه‌های عمومی درباره آنچه مایل است سخن بگوید. ساختار وبلاگ به گونه‌ای است که صاحب وبلاگ می‌تواند مجموعه حرف‌هایش را دست‌نهدنی، تنظیمی، آرشیو و کپی‌بندی کند و حتی فضایی را جهت اظهار نظر دیگران (بهر فراری گفتگو، دو سویه) در نظر بگیرد. بازی یا حرفه تمرکز روی حرفه‌اندیشیدن به حرف و حرفیت حرفه‌جونی از ساختار وجودی وبلاگ است و این زمینه‌ساز رفتی بی‌پایان برای صاحب وبلاگ خواهد بود. در اینجا دیگر تفاوتی ندارد که موضوع حرف چه باشد. ادبی بودن حرف نیز آن را از شمول این حکم معرانی‌سازد.

از سوی دیگر استقبال سایر ایرانیان از فضای مجازی و خاصه وبلاگ‌ها و سایت‌های شخصی حکایت‌گر وجهی دیگر از ناخودآگاه جمعی ما یعنی خودشیفتگی (Narcissism) است. گسترش چشمگیر این وبلاگ‌ها و سایت‌ها تداعی‌گر میل ناخودآگاه ایرانیان به انتشار و تکرار «من» است. این



وبلاگ‌ها
۴۵

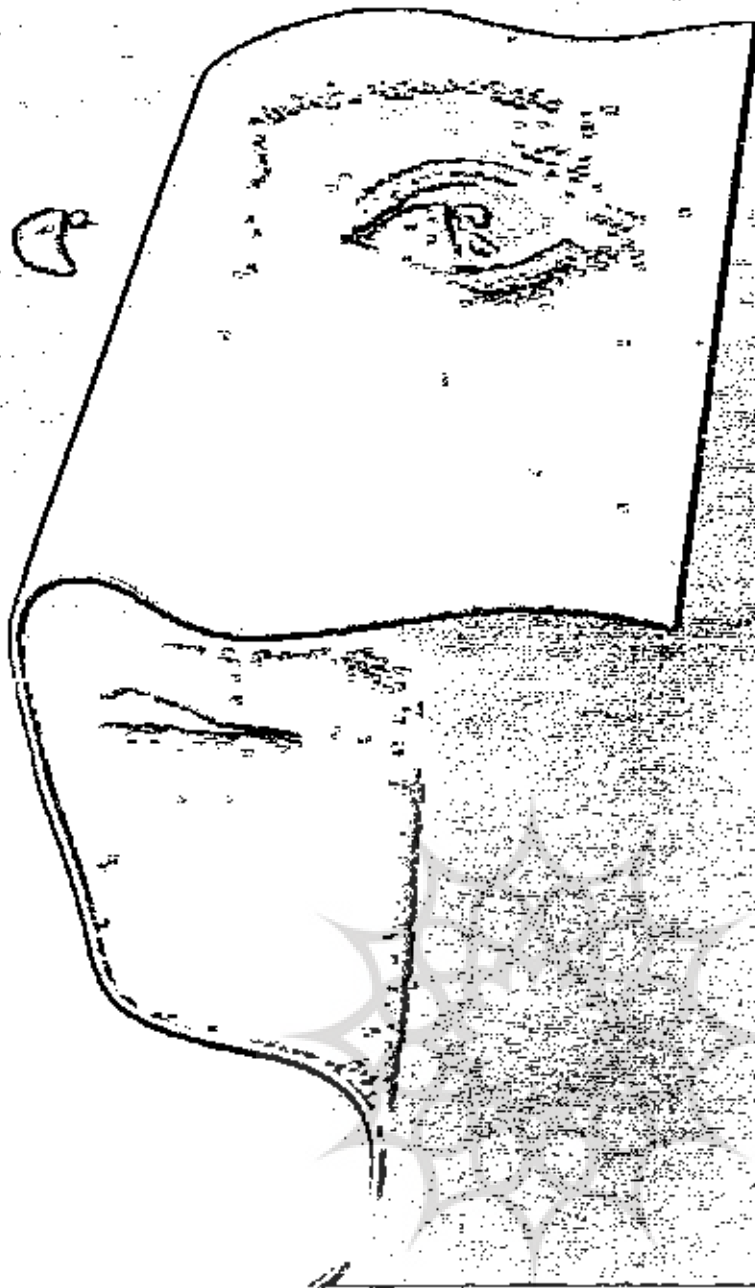
مسئله به شکلی دیگر در مکافات خاص اینترنت
 در بررسی یک هنر «نمادین جلوه گر است»
 داشتن «دیده شخصی» ایمل شخصی، طراحی
 و واقع‌اندازی و بلاگ یا سایت شخصی، چت و...
 همگی نشانگر شکل‌گیری و شکوفایی یک
 من مجازی شده‌اند. منی که به رغم مجازی بودن،
 در فرآیند ارتباط با دیگری (Other) به من
 واقعی بدل می‌شود. همین نکته در وبلاگ‌ها و
 سایت‌های انجمنی به وجهی دیگر بازنموده می‌شود
 یعنی به صورت استعاره هنر مولفه زمانی که
 یک وبلاگ یا سایت انجمنی را از واقع‌اندازی می‌کنم
 به شکلی غیر مستقیم نشان می‌دهم که ما را
 بعنوان یک مولفه انجمنی به رسمیت شناخته
 شود. به عبارت دیگر، داشتن وبلاگ یا سایت
 می‌تواند ایجادکننده یک هویت نمادین شود.
 مسهل از اصول بودن واقع‌اندازی سایت یا وبلاگ و
 ناچیز بودن هنرهای آن نسبت به هنرهای
 مولفه ش‌خ‌ن در جهان واقعی و همان‌طور عدم
 تمهد من در قبال مستندیت و رسمیت نوشته‌های
 انجمنی ام که حاصل از خصصت مجازی و رسمیتهای
 اینترنت است. هنر منی زمینه فلسفی را فراهم
 می‌آورد تا من قادر باشم هویت خود را به عنوان
 یک مولفه «بازسازی کنم»

میل به بررسی هویت نمادین انجمنی ضمناً
 حکایت از میل به مسئولیت به امر والا (هنر)
 نیز دارد. با هنر - سروکار داشتن - آن هم بدون
 هیچ گونه محدودیت و مسئوریتی - به خودی
 خود موجود لذت است. حال اگر این مسئولیت
 نیازی به معیارهای ضروری کنش خلاقانه نیز
 نداشته و در عین حال تقویت کننده میل به
 این‌همان‌سازی یا امر والا باشد، طبیعتاً لذت حاصل
 از آن دوچندان می‌شود.

بنابراین خودشیفتگی از طریق کس به آنها
 اشاره شد به شکلی مطلوب در من ازشامی شود.
 در پشت صفحه مانیفست، چهلی قرار دارد که من
 قادر خواهم بود بی هیچ واسطه‌ای از انشای هنرم
 به جستجوی اهداف و ایجاد ارتباط با دیگران
 برآیم. این پنهان شدن و به هم پنهان شدن
 و تقویت درونی شدن و در عین حال جستجوی
 آزاد برای ازشامی بی واسطه از هنرهای میل داشتن،
 منجر به ظهور یک نوع پارانیاپدیس برای فریه
 ساختن من نمادین خواهد شد.

منی که در واقعیت روزمره به واسطه
 محدودیت‌های مسوور، ناتوانی‌های مالی،
 ترس ناشی از حضور در بازی همگامی و از
 جهان ادبیست روز به روز بیشتر فاصله گرفته
 سر خوردن شده و میل به تولید اثر انجمنی را
 در خود مسرکوب می‌کند، ناگهان وبه واسطه
 توانایی‌های منحصر به فرد اینترنت، رفته رفته
 هویت جدیدی را برای خود بازسازی می‌کند.
 هویتی که قادر است من آرمانی (ideal ego)
 را تحقق بخشد و در عرصه عمومی به نمایش
 بگذارد. بدین‌من من آن چیزی خواهم بود که
 «مایل باشم» هنرمند، شاعر، داستان‌نویس
 و در مجموع، عضوی پذیرفته شده از جامعه
 ادبیات من، دلمی خواهم بود که مدلولش را
 خودم تعیین کردم. نه هیچ کس دیگر. ساختن
 یک وبلاگ یا سایت انجمنی شخصی همچون اعلام
 موجودیت من به منتهی یک سوره انجمنی است.
 هنر وبلاگ‌داری پس هنر من است.

پانویس ها:
 ۱- این مدعیه که مطالبه این اثر در طول یک سال را چند
 زایه اعلام کردند، مطالعه کتاب به عنوان پایه و اساس
 ۲- شکل‌گیری فرهنگ مکتوب تنها چند دهه‌ای در
 هر یک سده یک اثری در تاریخ است. هنوز هم بدون با
 وام‌گیری از فرهنگ چند هزار ساله ایران زمین، خود را
 در میان حال حاضر هنر منیا جاد کرد
 ۳- سایت گوگل طی یک امر رسمی، پیوندهای ویژه
 جستجو، مسوول طریق این مورد بود - جستجو را در
 همیشی اسپرزه (فهرست صرف آلمانی) اعلام کرد
 نکته جالب توجه این که وب‌سایتی هم‌نام که سوره و
 «گوسپل» (Gospel) هم‌نام نیز در لیست ۲۰ وب‌سایت
 برنده - جستجو شد در گوگل قرار داشته



مدیریت سبک زندگی

آموزشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

آموزشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

رسول تعازی

هائسا آرنت در کتاب دوران ساز خود که
 عنوان اصلی آن در زبان انگلیسی وضع بشر
 (The Human Condition) است.
 یا توصیف خیره‌کننده‌ای از اولین موفقیت
 انسان در قرار دادن یک مامواره در مدار زمین
 و مشکلاتی که این موفقیت حیرت‌انگیز برای
 اندیشه بشر ایجاد کرده است آغاز می‌کند.
 آرنت هدف خود از نوشتن این کتاب را نه ارائه
 پاسخی برای مشکلات پیش‌روی دنیای مدرن
 بلکه تنها شرح آنچه ما انجام می‌دهیم، عنوان
 می‌کند. بنابراین در یک کلام می‌توان گفت که
 هدف آرنت در این کتاب تنها شرح وضعیت
 انسان در دنیای مدرن است. شاید به این دلیل
 باشد که مترجم خوش‌ذوق فرانسوی، کتاب را
 با عنوان وضع انسان مدرن (Condition de
 l'homme Moderne) برگردانده است.
 مسئله بنیادی تو همان چیزی است که از

نظر لئو اشتراوس پرسش بنیادین فلسفه
 کلاسیک است: چگونه باید زندگی کرد؟ بدون
 انحراف می‌توان گفت که تمام فلسفه کلاسیک
 (و البته بخش بزرگی از فلسفه مدرن) را
 می‌توان بر حول این مسئله صورت‌بندی
 کرد. بدین‌گونه، بنیاد فلسفه سیاست، فلسفه
 اخلاق و مابعدالطبیعه همان پرسش مشهور
 این است: چه باید کرد؟ فراموش نکنیم که
 تمام ساختار اندیشه ارسطو تا فلسفه اخلاق و
 سیاست آن بر اساس نگارش سلسله مراتبی او
 از موجودات در جهان یا همان کیهان‌شنسی
 (Cosmology) بنیاد نهاده شده است.
 از نظر ارسطو حکیمت‌ار، انسان مدرن از
 سرودگمی در میان مدل‌های زندگی رنج
 می‌برد. از نظر ش‌خ‌ن هر وند یونان باستان، مدل
 آرمانی که شایسته تقلید و پیروی بود همان
 چیزی است که در زبان‌های اروپایی عموماً
 با عنوان چنتلمن (gentleman) ترجمه

می‌شود. اما در زبان یونانی به صورت دقیق به
 معنای عزیز و خوب است. تمام نظر به اخلاق
 ارسطو بر حول این مدل آرمانی انسان شکل
 گرفته است که همان تجسم فضایل است. با
 افول دولت‌شهرها و فرهنگ یونانی، این مدل
 آرمانی از اندیشه انسان رنگ می‌بازد و جای
 خود را به معادل‌های مذهبی می‌دهد که
 می‌توان در یک کلام آن را با عنوان «مرد مسیح
 مانند» معرفی کرد. تعالی‌اندیشه مسیحی به
 سوی تحقق بخشیدن این مدل آرمانی - این
 مرد مسیح مانند - حرکت می‌کند. همان‌گونه
 که تحقق چنتلمن یونانی یک آرمان و شاید
 دسترس‌ناپذیر بوده، مرد مسیح مانند مذهبی
 هم فراتر از توانایی‌های انسان قرار می‌گرفته. با
 این حال، همین مدل، هر چند دور از دسترس
 و ناممکن، می‌توانست به عنوان راهنمایی
 برای رفتارهای ماعمل کند. اما با افول اقتدار
 مذهبی و رنگ باختن اعتقادات مسیحی، این

